شهرآرا

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان

روزنامه شهر امید و زندگی

SHAHRARANEWS.IR

۲ شنبه

۳۰ ۰۴ ۹۹

۳۶ صفحه؛ ۱۲ صفحه+ ۴ صفحه+ ۴ صفحه ورزشی

+۴ صفحه شهربانو+ ۱۶ صفحه شهرآرا محله

شماره ۳۱۵۶ | ۱۰۰۰ تومان

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

Photoshahr.ir



حدیث روز

ایمان چهار رکن دارد: توکل بر خدا، رضا به قضای خدا، تسلیم به امر خدا، واگذاشتن کار به خدا.

امام رضا(ع)

رطوبت هوا ۱۴٪

۲۳° ↓ ۳۷° ↑

صبح ۳۱° | ظهر ۳۵° | عصر ۳۳° | شب ۲۹°

- اذان ظهر ۱۲:۳۸
- غروب آفتاب ۱۹:۴۷
- اذان مغرب ۲۰:۰۸
- نیمه شب شرعی ۲۳:۴۷
- اذان صبح فردا ۳:۴۷
- طلوع آفتاب فردا ۵:۲۹

کاریکاتور



احتمال برخورد سیارک ND2020 به زمین

محمدرضا میرشاه‌ولد

لیسبون، الگوی حمل‌ونقل عمومی مدرن

عماد پورشهریاری
مترجم

متروپلیس

حمل‌ونقل عمومی در پایتخت پرتغال، لیسبون، در چند سال اخیر به‌طور کامل تغییر کرده است. حدود ۱۰ سال پیش، لیسبون، پایتخت مشکلات اقتصادی اروپا بود. بحران مالی سال ۲۰۰۸ به‌شدت این کشور را دچار مشکل کرده بود و پرتغال با نرخ بالای بیکاری و فرسودگی زیرساخت‌ها مواجه بود. امروز اما لیسبون به پایتخت حمل‌ونقل مدرن اروپا تبدیل شده است. به گزارش وب‌سایت City Today، لیسبون با استفاده از کمک‌های مالی اتحادیه اروپا و با تکیه بر صنعت گردشگری و افزایش میزان اشتغال در حوزه فناوری توانسته است از بحران یک دهه گذشته عبور کند و به الگویی برای دیگر شهرهای جهان تبدیل شود.

۲۵۲ میلیون یورو برای حمل‌ونقل پایدار

یکی از اهداف ویژه شهرداری لیسبون در توسعه شهر، توجه به حمل‌ونقل عمومی از طریق توسعه زیرساخت‌های مرتبط با خودروهای برقی است. براساس این اهداف لیسبون در سال ۲۰۲۳، ۴۲۰ اتوبوس برقی و ۲۵ تراموا خواهد داشت که برای رسیدن به آن، سرمایه‌گذاری‌ای به ارزش ۲۵۲ میلیون یورو انجام شده است. در هدف بعدی و تا سال ۲۰۳۰ قرار است ۱۵۰ هزار راکبِ خودروها در این شهر، از یکی از روش‌های حمل‌ونقل پایدار استفاده کنند.

یکی دیگر از برنامه‌های موفق اجراشده در لیسبون، توجه به حمل‌ونقل‌های کوتاه است. برای این کار ۹ شرکت مختلف، ۱۲ هزار اسکوتر برقی برای شهروندان فراهم کردند تا جابه‌جایی‌های کوتاه بدون استفاده از خودروها و روش‌های مرسوم حمل‌ونقل انجام شود. چالش اصلی این شهر مانند بسیاری از شهرهای دنیا تعیین قوانین و مقررات برای این وسایل نقلیه جدید است. اسکوترسوارها، بسیاری از مواقع با سرعت زیاد در پیاده‌رو و پیاده‌راه‌ها حرکت و برای عابران ایجاد خطر می‌کنند. علاوه بر این رها کردن اسکوترها در مراکز عمومی می‌تواند مشکلی بزرگ برای مدیریت شهری ایجاد کند؛ اتفاقی که بسیاری از شهرهای چین را به قبرستان‌های دوچرخه‌های اشتراکی تبدیل کرده است. برای پیشگیری از چنین اتفاقاتی، هر شرکتی که اسکوترهایش در پیاده‌روها و اماکن عمومی رها شده باشد، ۶۰ تا ۳۰۰ یورو جریمه خواهد شد. همچنین پارک کردن این وسایل در محل‌های رفت‌وآمد نیز ممنوع شده است. در فاصله ماه‌های فوریه تا ژوئن سال ۲۰۱۹، ۱۸۰۰ اسکوتر به‌یکی از این دلایل توسط پلیس این شهر توقیف شدند تا بر جدیت قانون‌گذار در توسعه حمل‌ونقل عمومی تأکید شود. این قوانین درباره دوچرخه‌های برقی نیز اعمال می‌شود.

خطوط قرمز لیسبون در توسعه شهری

به گفته میگوئل گاسپار، معاون حمل‌ونقل و ایمنی شهرداری لیسبون، در توسعه فناوری نوین در این شهر ۲ خط قرمز ویژه وجود دارد؛ اول امنیت و ایمنی شهروندان و کیفیت فضاهای عمومی و دوم ایجاد قوانین سخت و آسان برای فناوری‌های جدید. مشارکت بخش‌های خصوصی در توسعه فناوری محور حمل‌ونقل عمومی باید با تسهیلگری نهادهایی چون شهرداری میسر شود. به همین دلیل قوانین در این حوزه نباید سخت‌گیرانه باشد اما درباره مواجهه با مشکلاتی که این فناوری‌ها، مانند دوچرخه‌های اشتراکی، ممکن است برای شهر به وجود بیاورند قوانین باید جدی و محکم باشند. البته در بسیاری از این موارد، شهروندان مورد سؤال و بازخواست نهادهای انتظامی قرار نمی‌گیرند و در صورت مشاهده تخلف، شرکت‌های ارائه‌دهنده این خدمات، ملزم به پرداخت جریمه هستند. این به این معنی است که خود شرکت‌ها باید با آموزش و فرهنگ‌سازی، میزان خطای کاربرانشان را کاهش دهند.

شهر لیسبون با افتخار مدعی است بهترین ایده‌های شهری در جهان را برای خود نسخه‌برداری می‌کند. نسخه‌برداری‌های بی‌نقص از پروژه‌های مشابه در پورتو، بارسلون، کپنهاگ، لندن و لس‌آنجلس به همراه برطرف کردن مشکلات آن‌ها، پایتخت ۵۰۰ هزار نفری پرتغال را به یکی از شهرهای پیشرو در حوزه حمل‌ونقل عمومی تبدیل کرده است.

پرسه عاشقانه خماری در خیابان کرونا



فریدون صدیقی
استاد روزنامه‌نگاری

کاروان‌هایی که امشب یا هر شب، امروز یا هر روز، خود را در هزارتوی اختفا پیچیده‌اند، آرام جان می‌برند تا مردمانی در پهنه گیتی از خماری زندگی را جا نگذارند. ایران نه تولیدکننده، نه مبدا و نه مقصد این کاروان‌هاست؛ ایران فقط مسیر این عبور عاشقانه است؛ مسیری که تامین کننده ۹۰ درصد مصرف تریاک جهان، ۴۸ درصد مرفین و ۲۶ درصد هروئین جهان است؛ به عبارت دیگر در این مسیر که از شرق به غرب کشور می‌گذرد، حتی اگر عطر سکرآور کاروانیان نامحترم که روزان و شبان در کوره‌راه‌ها و بریده‌راه‌ها دوان‌اند، به خیابان‌ها و به کوچه‌ها برسد، چه جوانان برومندی را نشئه و چه میان‌سالان عزیزی را از سرخوشی، مستان می‌کند؛ راست گفته‌اند که در جهنم هم می‌توان دوست پیدا کرد!

چهل‌وپنج‌ساله، خوش‌تیپ، کمی شاعر، کمی عاشق، عطر آمدنش همیشه چند قدم جلوتر از خودش می‌آید، درست در ساعاتی که خوش‌مشرب است. اویک مرد عمیقا محترم، یک حسابرس در جه‌یک و البته مصرف‌کننده با دیسیپلین تریاک است. سی‌وهشت‌ساله، درس‌خوانده، باهوش، خوش‌پوش و کمی بلندبالا، آرشیتکت، دارای یک پسر شش‌ساله، مجرد. عطر دلاویز آمدنش همیشه زودتر از خودش می‌آید و وقتی می‌آید کل فضای بی‌تفاوت شرکت را خرسند می‌کند. اویک بانوی عمیقا جدی و تا حدودی بد اخلاق و البته مصرف‌کننده مخدرات صنعتی است. هر دو این آشنایان کمی دور و کمی خیلی دور، مناسبات اجتماعی را به شایستگی به جا می‌آورند و تنها معدودی ممکن است متوجه شوند ته آن نگاه تابان و کج‌تاب، خاکستر نشسته است.

نفر سوم عیان است و حاجت به بیان نیست؛ درهم، ژولیده، فروریخته و زمین‌گیر، کارشناسی ارشد نیمه‌تمام زمین‌شناسی، عاشق خجول فوتبال، خودپنهان و کم‌آشکار و سرگردان‌ترین آواره خیابان‌ها و زیرپل‌های شهر بی‌ترحم است. سی‌ودوساله با بیش از ۷ سال سابقه اعتیاد به هر چیزی که او را قطره قطره آب کند!

آمارها می‌گوید هم‌اکنون یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در ۷۵۰۰ مرکز درمانی مشغول تمرین ترک مواد مخدر هستند. جمعیت بسیار بسیار عظیم و عزیزی است اگر معتادان گرامی‌تر از تابستان واقعا پاک پاک شوند!

یکی از مسئولان تعداد معتادان رسمی کشور را ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر و تعداد کسانی را که تفننی زندگی را دود می‌کنند، یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر اعلام کرده است. البته مانمی‌دانیم آن یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفری که با جدیت در ۷۵۰۰ مرکز ترک اعتیاد، مشغول فوت کردن اعتیاد هستند، جزو این ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر فداییان اعتیاد هستند یا نه. امیدواریم باشند، وگرنه جمعیت معتادان غیرتفننی به بیش از ۴ میلیون نفر می‌رسد که در آن صورت باید بر لب جوی نشست و های‌های گریست! بد نیست این را هم بدانیم که به لطف خانم‌ها و آقایان خمار و البته در گام اول جان‌فشانی بی‌دریغ کاروان سالاران مواد مخدر و موزعان دانه‌درشت و توزیع کنندگان خرده‌پا، تجارت مواد مخدر در ایران بالغ بر ۲۰۰ هزار میلیارد تومان در سال است. نکته غریب و غم‌افزا این است که علی‌رغم حضور ویرانگر کرونا و تعطیلی بسیاری از مشاغل، بازار تجارت خلسه و خمارسازان همچنان پررونق است؛ یعنی دوستان، آشنایان و غریبه‌ها در سراسر جهان علی‌رغم کشتار ۶۰۰ هزار نفری کرونا تا دقیقه اکنون، تجارت جهانی این حرفه را به سالانه ۱۵۰۰ میلیارد دلار ارتقا داده‌اند؛ رقمی که می‌تواند به‌تنهایی درمان ابدی همه گرسنگان جهان باشد.

باور کنید در شرایط امروز ما تندرستی و داشتن جسم سالم، یک رویداد هنری در جه‌یک است، چون رسالت هنر، راهی برای درست‌زیستن است.

همین جا بگویم وقتی بیکاریِ بالنده، افسردگیِ روزافزون و ناامیدی ویرانگر، همپای کرونا در کوچه و خیابان و در خانه و بیابان در تعقیب بی‌وقفه ۲۰ میلیون جوان و ۵ میلیون نوجوان است، پدر و مادرها حق دارند هر شب زل بزنند به نی‌نی چشمان مغموم‌تر از پاییز فرزندانشان، مبادا که روز در آغوش اعتیاد بوده باشند. راست این است وقتی امید واهی باشد، مهلک‌ترین درد ناامیدی است. وقتی ازدواج سقوط می‌کند و طلاق صعود می‌کند و بیکاری پیروز تمام فصل‌هاست، معلوم است روز تاریک‌تر از شب است، اگر مسئولان همچنان رویا ببافند!

کاش هیچ‌یک از دوستان و آشنایانم معتاد نشوند. کاش معتادان پیش کسوت بتوانند از خاکستر خود برخیزند و دوستان تفنن‌کار، در امر اعتیاد، تغییر تفنن دهند و دست‌کم به جایش سیگار بکشند و حتی پاروی پا بیندازند و زیر درخت گردو قلیان بکشند. یکی از آشنایان جوانم به همین دلیل تفننی قلیان می‌کشد.

عکس روز

یک روز با اورژانس اجتماعی

اورژانس اجتماعی یکی از زیرمجموعه‌های سازمان بهزیستی است که در حوزه‌های مختلف اجتماعی به افراد آسیب دیده خدمت‌رسانی می‌کند. کودک‌آزاری، همسرآزاری، افراد آسیب دیده اجتماعی، زنان بدسرپرست از جمله افرادی هستند که از خدمات این اورژانس بهره می‌برند.



عکس: مصطفی عباسی| فوتوشهر

دانستنی

استعمار ماه!



OILPRICE

پس از آنکه دانشمندان از وجود مواد معدنی با ارزش و کمیاب زمین، در برخی اجرام آسمانی از جمله کره ماه پرده برداشتند، کشورهای پیشرو در صنعت فضایی به فکر سفر به آن‌ها و معدن‌کاری افتاده‌اند و گفته می‌شود باتوجه به سابقه بشر در سفر به کره ماه، به‌زودی این اتفاق در قمر زمین به وقوع خواهد پیوست. برنامه‌ریزی برای شروع استخراج ماه از سال ۲۰۲۵، پس از اینکه محققان ناسا هفته گذشته شواهدی مبنی‌بر وجود مقدار بیشتری از فلزات نسبت به آنچه قبلا تصور می‌شد، یافتند، جدی‌تر شده است.

هنری

جشنواره فیلم شانگهای میزبان ۳ فیلم ایرانی

ISNA

براساس فهرستی که تاکنون از فیلم‌های دعوت‌شده به بیست‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم شانگهای در کشور چین منتشر شده است، فیلم‌های «نجیبه» اولین ساخته بلند مصطفی گندمکار به همراه «گورکن» ساخته کاظم ملایی در بخش «استعدادهای جدید آسیایی» این جشنواره به نمایش گذاشته خواهند شد و فیلم کوتاه «خرچنگ» به کارگردانی شیوا صادق اسدی هم نماینده سینمای ایران در بخش رقابتی جام طلایی به روی پرده خواهد رفت. پیش از این قرار بود سومین جشنواره فیلم شانگهای از ۱۳ تا ۲۲ ژوئن (۲۴ خرداد تا ۲ تیر) برگزار شود اما مسئولان برگزاری این رویداد سینمایی به‌دلیل شیوع ویروس کرونا، زمان برگزاری آن را به تاریخ ۲۵ جولای تا ۲ اوت (۴ تا ۱۲ مرداد) موکول کردند.

۳۰ تیر ۱۳۵۷

تاریخ‌نگار

درگذشت شیخ احمد کافی در تصادفی مشکوک

رضا سلیمان نوری

یکی از ماجراهایی که باعث شد شعله‌های انقلاب مردم ایران علیه رژیم پهلوی در مشهد فروزان‌تر از شهرهای دیگر باشد، تصادف مرحوم شیخ احمد کافی در جاده قوچان به مشهد، کمی قبل از چناران، در صبحگاه ۳۰ تیر ۱۳۵۷ بود؛ تصادفی مشکوک که در آن، یک کامیون ارتشی با ماشین پژویی حامل شیخ احمد کافی به راننده‌گی فردی «عنابستانی» نام برخورد کرد و کافی کشته شد. این واقعه هنوز و پس از گذشت بیش از ۴۰ سال ابهاماتی دارد؛ از جمله اینکه برادر کافی از احتمال کشته‌شدن وی در آمبولانس توسط عوامل ساواک، سخن گفته و از نعمت‌ا... نصیری، رئیس اسبق ساواک، نقل شده که طرح تصادف به دستور مستقیم پهلوی دوم بوده است. به هر صورت، چه این تصادف عمدی بوده که امکانش زیاد است و چه سهوی، کشته‌شدن شیخ احمد کافی که همگان او را به سخنان پرسوزوگدازش درباره وضعیت اجتماع و لزوم تلاش برای تغییر وضعیت جامعه به‌منظور ظهور امام عصر(عج) و ایجاد مهدیه در شهرهای مختلف می‌شناختند، باعث شد خون مردم مشهد به جوش آید و در تشییع جنازه وی با ماموران حکومتی درگیر شوند و شهید و مجروح دهند؛ شهیدانی که تشییع آن‌ها، باعث تجمعات بعدی تا پیروزی انقلاب شد.

پیشنهاد فیلم

شاهزاده خوشبخت

فیلم «شاهزاده خوشبخت» به کارگردانی «روپرت اورت» در ۱۰۵ دقیقه، داستان روزهای آخر زندگی «اسکار وایلد»، شاعر، نویسنده و نمایشنامه‌نویس ایرلندی، را به تصویر کشیده است. این فیلم بیوگرافی‌درام، محصول مشترک کشورهای انگلستان، بلژیک، ایتالیا و آلمان است و نخستین بار در جشنواره فیلم «ساندنس» و در سال ۲۰۱۸ اکران شد.

روپرت اورت در اولین تجربه کارگردانی خود، نقش اسکار وایلد را در کنار بازیگرانی چون امیلی واتسون، کالین فرث، تام ویلکینسون و... بازی می‌کند. موضوع اصلی فیلم داستان زندگی اسکار وایلد است که در برزخی گیر افتاده است و نمی‌داند به گذشته شاد خود بیندیشد یا به راه‌های جدیدی که پیش رویش قرار دارند اما او آن‌ها را درک نمی‌کند. «ما در دنیای خود گم شده ایم» این جمله‌ای است که اسکار وایلد می‌گوید. شیوه زندگی‌اش باعث می‌شود که در تقابل با ایده‌آل‌های انگلستان عصر ویکتوریایی قرار گیرد. وقایع فیلم در سال ۱۸۷۶ و بعد از آزادی اسکار از زندان و تبعید به فرانسه را نشان می‌دهد. فیلم با فلش‌بک به گذشته و نشان دادن سال‌های قبل از زندان، بیشتر به بزرگداشت مقام او پرداخته است تا آثارش. درواقع فیلم تصویری از وایلد به مخاطبان ارائه می‌دهد که خاطرات او و نحوه مرگش را در یادها زنده می‌کند و این باعث می‌شود ما اسکار وایلد را نه‌فقط به‌عنوان یک نابغه بی‌همتا، بلکه به‌عنوان یک انسان عادی ببینیم. «مریلین هولاند»، نوه اسکار وایلد، با انتقاد از سایر فیلم‌هایی که تاکنون براساس شخصیت پدربزرگش ساخته شده است، این فیلم جدید را بهترین تصویری توصیف کرد که تاکنون در سینما و تلویزیون از او ترسیم شده است. به عقیده برخی منتقدان، این فیلم بیشتر یک شاهکار تئاتری است تا فیلم و ممکن است مخاطبانی را که وایلد را به شوخ‌طبعی و بذله‌گویی می‌شناسند، کمی ناامید کند.

ما بیشتر اسکار وایلد را با داستان‌های «بلبل و گل سرخ» و «شاهزاده خوشبخت» و رمان معروفش «تصویر دوریان گری» می‌شناسیم. این هنرمند سی‌ام نوامبر سال ۱۹۰۰ پس از ابتلا به مننژیت حاد و عفونت گوش در پاریس درگذشت.



نگاه هشتم

غلامرضا بنی‌اسدی | روزنامه‌نگار

نذر لبخند عروس و داماد

زندگی یعنی این، عشق یعنی این، انسانیت یعنی این و اخلاق نیز یعنی این. این «این» تا همیشه در زندگی‌شان جاری خواهد بود. زندگی «آقا مرتضی شایان‌فر» و «زکیه خانم عباسیان» که برای عروسی خود یک شادمانی ماندگار رقم زدند، به‌جای جشنی که در پاسی از شب تمام می‌شود. این ۲ جوان طبسی، ۱۰۰۰ کارت نوشته بودند برای دعوت از میهمانان عروسی، اما شیوع کرونا، کوچه‌باغ جشن را به کوچه‌باغ بهشت رساند، کارت دعوت عوض شد با خطی ماندگار که نوشته بود: «بی‌حضور دوستان، این محفل شوروشوقی ندارد، اما به‌دلیل شیوع ویروس کرونا و [برای] حفظ سلامتی شما دوست عزیز، بر آن شدیم که از برگزاری جشن عروسی خود صرف نظر کنیم و هزینه شادی این مجلس را نذر لبخند کودکی کنیم که پدرش در زندان حوادث محبوس است.» و چنین بود که نگاه کریمانه و قدم خیر این ۲ جوان، ۵ نفر از زندانیان جرائم غیرعمد را به خانه برگرداند و کودکان ۵ خانواده با دیدن پدر، شادترین لبخند خود را تجربه کردند و خدا، خالق لبخندها، نیز به این شیوه بهشتی امضای مانایی زد. جالب اینکه اقدام این زوج بهشتی خصال باعث شد تا شکات پرونده نیز به‌رسم کرامت رفتار کنند و بخش دیگر طلب خود را ببخشند. این یعنی بهشت جاری است در نگاه نسل نو که عادت‌های کهنه را به زیباترین شکل نوسازی می‌کند. این یعنی عشق، یعنی انسانیت، یعنی اخلاق، یعنی زندگی.

زین قند پارسی

همزه پایانی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

پرسش

«واژه شی‌ای درست است یا شیئ، یا شیئی؟ شی‌ای ارزشمند یا شیئ ارزشمند یا شیئی ارزشمند؟»

پاسخ

فرهنگستان زبان فارسی: هرگاه همزه پایانی ماقبل ساکن (بدون کرسی) یا همزه پایانی ماقبل مفتوح (با کرسی «ا») یا همزه پایانی ماقبل مضموم (با کرسی «و») به یای وحدت یا نکره متصل شود، کرسی «ی» می‌گیرد و کرسی قبلی آن نیز حفظ می‌شود. بنابراین، شیئ، منشائی و لؤلؤئی درست است.

#زین_قند_پارسی

کدام کار فرهنگی؟

ادامه سرمقاله از صفحه یک

فیلم سینمایی یا موسیقی، کتاب داستان یا شعر، هر خدمت یا کالای فرهنگی باید چنان قدرتمند باشد که بتواند روی رفتار مخاطب اثر بگذارد، همان‌طور که ساختمان را می‌شود طوری طراحی کرد که باعث آرامش یا فروتنی و خضوع کسانی شود که قدم در آن گذاشته‌اند. از کارهای نمایشی و کم‌حاصل که نام فعالیت فرهنگی دارند تا طراحی برنامه‌هایی حرفه‌ای و دقیق که می‌توانند آثاری عمیق و ماندگاری به‌دنبال داشته باشند، راهی طولانی هست که جز با فهم و درایت طی نمی‌شود. اگر کارهایمان در حوزه‌های مختلف نتیجه‌ای ندارد، نباید «کار فرهنگی» را متهم و بدنام کنیم، بلکه باید بپرسیم که از کدام کار فرهنگی سخن می‌گوییم!